

## پرونده «وطن امروز» درباره استراتژی دونالد ترامپ در سیاست خارجی

و راهبردهای کاخ سفید در قبال ایران

# استراتژی دیوانگی

در روزهای ابتدایی ریاست‌جمهوری ریچارد نیکسون، او به «باب هالدمن» رئیس کارکنان کاخ سفید گفت استراتژی‌اش برای پایان دادن به جنگ ویتنام، این است که تهدید به استفاده از بمب اتم کند. او بیان کرده بود تهدیدهای هسته‌ای آیزنهاور در سال ۱۹۵۳ میلادی باعث پایان یافتن جنگ بین ۲ کره شد و او نیز برنامه دارد تا تهدید به استفاده از بالاترین میزان فشار نظامی را در دستور کار خود قرار دهد. نیکسون نام این سیاست را تئوری «مرد دیوانه» گذاشت. او می‌خواست ویتنامی‌ها باور کنند او «هر کاری برای پایان دادن به جنگ انجام می‌دهد». دنیل الزبرگ، نویسنده ضدجنگ و تحلیلگر نظامی آمریکا در دهه ۷۰ میلادی که بخشی از فایل‌های سری پنتاگون را نیز منتشر کرد و بدین ترتیب به یکی از بزرگ‌ترین افشاکندنده‌های آمریکایی تبدیل شد، سال ۱۹۵۹ در سمیناری در دانشگاه هاروارد که از قضا با حضور هنری کیسینجر برگزار شده بود، این تئوری را مطرح کرد. الزبرگ این تئوری را «استفاده سیاسی از دیوانگی» خواند و تأکید کرد هر نوع تهدیدی زمانی که تصور شود تهدیدکننده دیوانه است و نمی‌تواند تصمیمات منطقی بگیرد، قابل اعتنا تر و معتبر می‌شود.

الزبرگ اما تصور هم نمی‌کرد زمانی برسد که برخی روسای جمهور آمریکا آنقدر از این سیاست که زمانی تنها به عنوان تئوری بیان شده بود، خوش‌شان باید که سعی کنند چهره‌های دیوانه و غیرمنطقی از خود برجا بگذارند. هنری کیسینجر ۱۰ سال بعد از این کنفرانس علمی، به عنوان مشاور امنیت ملی نیکسون انتخاب شد و به بیان خودش «در سیاست بیشتر از هر کس دیگری از الزبرگ آموخته است». کیسینجر در کتابش با عنوان «تسلیمات هسته‌ای و سیاست خارجی» از «استراتژی ایهام» در گفت‌وگوها و مذاکرات درباره استفاده از سلاح‌های هسته‌ای حمایت کرد. نوشته‌های کیسینجر در دهه ۱۹۵۰ میلادی بیابانگ این اعتقاد او برای نیکسون و دیگر روسای جمهور آمریکا بود که «قدرت، تا زمانی که کسی نخواهد از آن استفاده کند، قدرت نیست». البته نیکسون در نهایت در ویتنام از بمب اتم استفاده نکرد اما تهدید استفاده از بمب اتم یا هر اقدام دیوانه‌وار دیگری همچنان در دستور کار او و روسای جمهوری که به این تئوری علاقه‌مند بودند، قرار گرفت.

سال‌ها بعد اما رئیس‌جمهوری در آمریکا بر سر کار آمد که در ابتدای دوران فعالیتش تحلیلگران سیاسی بر این عقیده بودند او مناسب فرماندهی کل قوا در ایالات متحده نیست، از این منظر، او خوش‌گذرانی افراطی و مهارنشده بود که عاقلانه به در نظر گرفتن عواقب اقداماتش نداشت. سبک زندگی شخصی او، سیاست‌های شخصی‌اش، یاهوگویی‌های توییتری‌اش و اقدامات سیاسی‌اش که نشان‌دهنده خودشیفتگی بیش از حد او است، نگرانی درباره آینده دیپلماسی خارجی آمریکا را افزایش می‌داد. برخی عقیده دارند دونالد ترامپ تئوریسین نیست و اصولاً نباید نام تئوری‌سین را به او داد. نیکسون و کیسینجر به گوش خورده باشند. از این منظر او واقعاً دیوانه است. دیوانه‌ای که دیوانه‌های دیگر به نام جان بولتون را برای پست مشاور امنیت ملی خود انتخاب کرده است!

### ■ اتحادیه‌ایلهان!

اگر این مسأله را قبول داشته باشیم که ترامپ دیوانه است و بولتون را که دیوانه‌تر از خودش است، در سمت ریاست شورای امنیت ملی‌اش گذاشته است، آنگاه باید نگرانی‌های زیادی درباره اوضاع جهان داشته باشیم. «ملوین گودمن» در سایت تحلیلی کانترپانچ، اشاره می‌کند که به گفته روزنامه‌نگاران و نزدیکان ترامپ، او و جان بولتون، گفت‌وگوهای غیرمسئولانه‌ای درباره سلاح‌های هسته‌ای داشته‌اند. ترامپ به رسانه‌ها گفته است «داشتن سلاح‌های هسته‌ای اگر قرار نباشد از آنها استفاده کنیم، بی‌معنی است!» بولتون هنوز هم از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و استفاده از نیروی نظامی علیه کره شمالی و ایران دفاع می‌کند. او نقش مهمی در قانع کردن سازمان‌های اطلاعاتی در دوران بوش برای حمله به عراق داشت. او در عین حال به عنوان سفیر ایالات متحده در سازمان ملل، از اطلاعات غلط برای گمراه کردن اعضای مجمع عمومی سازمان ملل و شورای امنیت درباره سوریه، کوبا و ایران استفاده می‌کرد. همه اینها بدین معنی است که تئوری «مرد دیوانه» درباره او صادق است.

### ■ تقلید از نیکسون

در اینکه ترامپ در سیاست‌های خارجی‌اش شدت طرفدار تقلید کردن



دونالد ترامپ در یک جلسه با مشاوران و اعضای کابینه خود در کاخ سفید.

از نیکسون است. مصداق بارز این ادعا تقلید او از نیکسون برای سررازی کردن سلاح و رونق دادن به اقتصاد آمریکا با استفاده از فروش تسلیحات به کشورهای خاورمیانه است. نیکسون که در زمان جنگ سرد بشدت به دنبال رویارویی با شوروی سابق بود، محمدرضا پهلوی را با «کمونیسم و شوروی‌هراسی» به دام معامله نفت با سلاح کشاند. او که ایران را به پادگان منطقه تبدیل کرده بود، آنقدر معاملات تسلیحاتی با ایران امضا کرد که صدای اعتراض دموکرات‌ها و جمهوری خواهان در کنگره آمریکا با هم بلند شد. معاملات تسلیحاتی نیکسون با یکی از بزرگ‌ترین ناقضان حقوق بشر در خاورمیانه به قدری زیاد بود که در نهایت پهلوی دوم را به این نتیجه رساند که تا آمریکا و حمایت روسای جمهوری‌اش را دارد نباید درباره قدرت داخلی‌اش به شک بیفتد. همین رویه اکنون درباره عربستان اتفاق افتاده است. همان‌طور که دولت آمریکا تا آخرین لحظه از حکومت طاغوتی پهلوی در ایران حمایت کرد، ترامپ نیز به دلیل همین معاملات تسلیحاتی بی‌حد و مرز و پروژه‌های «ایران‌هراسی» تا آخرین لحظه از محمد بن سلمان و فعالیت‌های جنایتکارانه‌اش دفاع می‌کند. ترامپ سعی دارد سیاست نیکسون در قبال ایران را هم اینک در برابر عربستان اجرایی کند و روی دیوانه‌اش را به ایران، چین، روسیه و حتی کشورهای اروپایی نشان دهد. نیکسون هم البته در سیاست خود چندان موفق نبود.

او با اینکه به شوروی و چین سفر کرد تا به جنگ سرد پایان دهد اما فروش تسلیحاتش به کشورهای همسایه شوروی و رویارویی‌های دیگرش با شوروی در نهایت در سال ۱۹۷۵ باعث بدتر شدن وضعیت جنگ سرد شد. این کار برخی تحلیلگران را به این نتیجه رساند که نیکسون در حالی که می‌خواست پایان‌دهنده جنگ سرد باشد، خود آغازکننده دوره دوم جنگ سرد شد. ترامپ نیز اگرچه در ابتدای فعالیتش بیان می‌کرد می‌خواهد به بحران اتمی کره‌شمالی پایان دهد اما به احتمال زیاد خود آغازکننده بحران دیگری در روابط با کره‌شمالی خواهد شد.

با این حال تحلیلگران دیگری مانند تحلیلگر سیاسی مجله فوربس بر این عقیده‌اند که تئوری مرد دیوانه نیکسون چندان هم درباره ترامپ مصداق ندارد. آنها معتقدند ترامپ شاید در دل می‌خواهد از نیکسون الگو بگیرد اما مطمئناً در این کار موفق نبوده است. ترامپ در دوران کمپین انتخاباتی‌اش بیان کرده بود از اینکه ایالات متحده در سیاست خارجی‌اش بشدت «قابل پیش‌بینی» شده است، بیزار است. او معتقد بود آمریکا باید «غیرقابل پیش‌بینی» باشد. دونالد ترامپ برای نخستین‌بار این سیاست را در مقابل تجارت با کره‌جنوبی پیاده کرد و نمایندگان رئیس‌جمهور آمریکا در این کشور بیان کرده بودند «این مرد آنقدر دیوانه است که هر لحظه ممکن است توافق‌های تجاری را بر هم بزند». درباره مسائل اقتصادی باید گفت او واقعاً دیوانه‌ای اجرایی کردن خواسته‌ها و برنامه‌هایش به هر قیمت ممکن است، چرا که تهدیدهایش برای بیرون آمدن از توافقات تجاری با یکی پس از دیگری اجرایی کرد. او تعرفه واردات کالاها را بالا برد، وارد جنگ تجاری با چین و روسیه شد و توافق تجارت آزاد آمریکای شمالی را با کانادا بر هم زد.

### ■ تهدید دیوانه‌وار، مذاکره عاقلانه؟

از این منظر اما باید محدودیت‌هایی را نیز برای اجرای تئوری «مد من» در نظر گرفت. اگر بعد از اجرایی کردن تهدیدها قرار است مذاکراتی شکل گیرد، باید این درخواست‌ها در مذاکره به نحوی باشد که بتوان آنها را عاقلانه خواند. نمی‌توان با همان تهدیدات دیوانه‌وار، گفت‌وگوهای دیوانه‌وار داشت و نتایج دیوانه‌کننده را انتظار نداشت. به همین ترتیب گمان می‌رود مذاکرات بعدی ترامپ درباره مسائل تجاری یا سیاسی نمی‌تواند به همان دیوانه‌واری تهدیدهای ابتدایی‌اش باشد. اگر از این چشم‌انداز به ماجرای تئوری مورد علاقه ترامپ نگاه کنیم، می‌توانیم علت ناتوانی او در مقابل کره‌شمالی و ایران و همچنین علت توثیتهای دیوانه‌وارش در این باره را نیز متوجه شویم. ترامپ می‌داند تئوری مرد دیوانه نیکسون باید به صورت نصفه و نیمه اجرایی شود. تهدیدات و اولتیماتوم‌های دیوانه‌وار نمی‌تواند به مذاکرات وحشیانه ختم شود و راه‌حل‌ها باید منطقی باشد. به همین دلیل نیز مذاکرات با کره‌شمالی به درازا کشیده و احتمال اینکه این مذاکرات در نهایت به همان گرفتن عکس‌های یادگاری ترامپ و رهبر کره‌شمالی ختم شود، بسیار زیاد است!



## نقشه مرد دیوانه برای ایران تا کجا پیش می‌رود؟

استفاده از تئوری مرد دیوانه در قبال ایران یعنی تهدید کردن ایران به انجام دادن اقدامات غیر قابل پیش‌بینی. در پیش گرفتن این تئوری زمانی موضوعیت داشت که ایران همچنان به برنامه‌های هسته‌ای خود ادامه می‌داد؛ یعنی دقیقاً اقدامی که کره‌شمالی انجام داده است اما برنامه ترامپ، ناچار کردن ایران به خروج از برجام نبود. برنامه او خروج آمریکا از برجام با حفظ حضور ایران در این توافق بود، یعنی بازگرداندن فشار و تعطیلی همزمان برنامه هسته‌ای ایران. ترامپ از نوشتن توثیتهای تند علیه ایران هم همین هدف را دنبال می‌کرد، یعنی تلاش برای باقی ماندن ایران تحت فشار بین‌المللی. به همین ترتیب نه تنها می‌توان بیابانه‌ها و اقدامات تند ترامپ علیه ایران را بعد از عقب‌نشینی از برجام تحلیل کرد، بلکه می‌توان رویکرد جدید او در نیرداختن زیاد به مسأله ایران در توثیتهای روزانه‌اش را هم تحلیل کرد. ترامپ پس از خروج از برجام و مشاهده تداوم حضور ایران در این توافق، مرحله بعدی را که طرح مطالبات بیشتر بود کلید زد. او بعد از اینکه همکاری دولت ایران با اروپا را برای حفظ این قرارداد مشاهده کرد، به این نتیجه رسید که حالا زمان آن است که حرکت بعدی را نیز انجام داده و به مسأله دفاعی ایران یا سیاست‌هایش در منطقه بپردازد و در عین حال از حسن روحانی به عنوان «مرد دوست‌داشتنی» یاد کند؛ تعریفی که برای ترغیب دولت ایران برای تن دادن به امتیازدهی بیشتر تعبیر می‌شود. اینها همه یعنی تئوری مرد دیوانه اساساً نقشی در استراتژی ترامپ علیه ایران ندارد.

### پاس‌های رفتاری دولت روحانی به ترامپ

نکته جالب توجه درباره نوع رویارویی ترامپ با ایران این است که می‌توان بسادگی به این نتیجه رسید که ترامپ نه احمق است نه دیوانه. او می‌خواست تحریم‌ها را بدون هیچ فشار بین‌المللی بازگرداند و ایران را نیز از ادامه فعالیت‌های هسته‌ای‌اش باز دارد که تا حدودی به اهدافش هم رسید. نکته جالب در این باره نوع آرایش سیاسی دولت ایران در زمین بازی توافق هسته‌ای و برخوردش با خروج آمریکا از برجام است. نگاهی به گذشته روابط ایران و آمریکا در دوران مذاکرات هسته‌ای نشان می‌دهد رفتار دولت روحانی در برجام، دولتمردان آمریکا را به این نتیجه رساند که سیاست فشار و «دیپلماسی اجبار» علیه ایران جواب می‌دهد. رفتار دولت روحانی در حین برجام و بعد از آن این پیام غلط را به حاکمیت آمریکا مخابره کرد که دولت ایران برای مدیریت کشور، بویژه مدیریت اقتصادمی هیچ راهبردی جز توافق با آمریکا ندارد. بر این اساس هیأت کامه آمریکا به این نتیجه رسید که دولت ایران بشدت نیازمند توافق است و این را یک پاشنه آشیل برای دولت ایران تصور کرده و همان نقطه ضعف را که از تریبون‌های تبلیغاتی انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم هم بیان شده بود، نشانه رفتند.

این نوع برخورد با آمریکا و اصرار به رسیدن به توافق با «کدخدا» دقیقاً بر خلاف برآورد آمریکایی‌ها از مذاکرات هسته‌ای با ایران بود. کما اینکه جان کری چند هفته بعد از توافق برجام، در کمیته روابط خارجی سننا صراحتاً اذعان کرد تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران کم‌کم کارکرد خود را از دست می‌دادند و توافق بهترین راه برای از هم نپاشیدن ستون تحریم‌ها بود. اما این رفتارها باعث شد دولت آمریکا تصوری خلاف چیزی که بر اساس تئوری‌های مطرح روی میز داشت، داشته باشد.

چهل‌وپنجمین رئیس‌جمهور آمریکا از همان ابتدای دوران نامزدی برای انتخابات ریاست‌جمهوری بارها اعلام کرده بود توافق هسته‌ای اواما با ایران را به هیچ عنوان قبول نداشتند و به دنبال «توافقی بهتر» با ایران است. او اردیبهشت سال جاری از برجام بیرون آمد. بسیاری از تحلیلگران بین‌المللی عقب‌نشینی ترامپ از برجام و تهدید ایران به اعمال تحریم‌های گسترده و بازگرداندن تحریم‌های قبلی را از جمله اقداماتی می‌دانند که ترامپ در جهت اجرای تئوری «مرد دیوانه» در قبال ایران به کار می‌برد. با این حال این سؤال مطرح است: هدف رئیس‌جمهور آمریکا از ابتدا چه بوده است؟ ترامپ از همان ابتدا از اینکه برجام قرار بود به تحریم‌ها پایان دهد، ناراضی بود. او با این حال به این موضوع اشاره‌ای نمی‌کرد که در دوران ریاست‌جمهوری اواما هم تحریم‌ها برداشته نشد و جان کری و دوستانش در وزارت خارجه آمریکا سعی می‌کردند با پیشبرد دیپلماسی «وقت‌کشی» ایران را برای لغو تحریم‌ها به دولت بعدی آمریکا حواله دهند یا از فرصت برجام استفاده کرده و خواسته‌های دیگرشان را مطرح کنند. برای نخستین‌بار در همان دولت اواما و وزارت خارجه جان کری بود که علی‌اکبر صالحی، رئیس‌سازمان انرژی اتمی از اصطلاح «دب‌کردن» برای توصیف رفتار دولت اواما در قبال اجرای تعهداتش در برجام یاد کرد. در همان زمان مسؤوولان دولت روحانی و وزیر امور خارجه نیز بارها اعلام کردند اواما به تعهداتش عمل نمی‌کند. ماجرای ممانعت آمریکا از همکاری بانک‌های اروپایی با ایران در همین رفتار خلاصه می‌شود. سفر دوره‌ای وزیر و معاونان خزانه‌داری آمریکا به کشورهای اروپایی و تکرار جمله «ایران برای معامله تجاری مقصد خوبی نیست» در زمان دولت اواما انجام شد. جان کری نیز در نشست‌هایی که با روسای بانک‌ها در لندن داشت، در همان زمان اعلام کرد به بانک‌های مهم و بزرگ دنیا تضمین نمی‌دهد در صورت از سرگیری همکاری‌های خود با ایران، از سوی دولت آمریکا تحریم شوند.

با این حال استراتژی دولت ترامپ در برخورد با ایران با استراتژی مذاکره دموکرات‌ها بشدت متفاوت بود. ترامپ به دنبال این است توصیه‌های دوستان عرب و صهیونیستش را در منطقه اجرایی کند. او سعی داشت با بازگرداندن تحریم‌ها به وضعیت قبلی و به کار بردن تحریم‌های جدید هوشمندانه فشار را همچنان روی ایران نگه دارد تا بلکه شاهد عقب‌نشینی ایران در مسأله توانمندی‌های دفاعی و موضوعات منطقه‌ای نیز باشد. او می‌خواست هم برجام را لغو کند و هم گلابی‌هایش را بخورد! او به دنبال متعهد کردن ایران به ادامه اجرای برجام و تعطیل کردن فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان و در عین حال ادامه دادن به سیاست‌های تحریم و فشار بر جمهوری اسلامی بود که با خروج از برجام به هر دوی این اهداف رسید. اینکه در یک روز (روز چهارم نوامبر سال جاری) ۳۰۰ مورد به تحریم‌های ایران اضافه شد، رکوردی بود که ترامپ از خود به جا گذاشت. در این راستا اما استنادنا قائل شدن درباره خرید نفت ایران برای تعدادی از کشورهای اروپایی، چین و هندوستان و پیاده کردن نظام تخفیفات تحریمی به صورت قطره‌چکانی، تنها به دلیل این بود که ایران انگیزه کافی برای ادامه برجام و مذاکراتش با کشورهای اروپایی داشته باشد. در این صورت ایران به نقطه خروج از برجام نمی‌رسید اما در حال این استثناها تأثیر ملموسی بر بهبود وضعیت اقتصادی ایران نیز نداشته است.

### نیویورک‌تایمز



تا امروز دیگر کاملاً مشخص شده است که دونالد ترامپ سیاست خارجی را به‌عنوان ادامه و زائده‌ای از دنیای تجارت می‌داند. در هر دو دنیا نیز نمی‌توان با سیاستی که ترامپ هم‌اکنون در پیش گرفته است به جایی رسید. نه در عالم تجارت و اقتصاد و نه در عالم سیاست نمی‌توان تجار و رهبرانی مانند کیم جونگ اون را بدون خواست آنها مجبور به همکاری و مذاکره کرد؛ این راه هم برای منافع ترامپ و هم منافع دوستانش بشدت خطرناک است. تاکنون چندین

تن از مقامات دولت ترامپ اذعان کرده‌اند او تمایلی زیادی به استفاده از تئوری مرد دیوانه نیکسون دارد. تئوری مرد دیوانه مطلب تازه‌ای نیست. تنها یک دلیل وجود دارد که بعد از نیکسون هیچ رئیس‌جمهوری از این ایده استفاده نکرد؛ این تئوری جواب نمی‌دهد و سیاست خارجه را با بحران مواجه می‌کند.



فارین‌پالیسی

در کمپین انتخاباتی سال ۲۰۱۶، رسانه‌ها عاشق غیر قابل پیش‌بینی بودن ترامپ بودند و هر روز اخباری از او و اقداماتش منتشر می‌کردند که تمام مردم را شگفت‌زده می‌کرد. او زمانی که رئیس‌جمهور ایالات متحده شد فکر کرد از همین استراتژی که اتفاقاً باعث پیروزی او در انتخابات شده بود، استفاده کند؛ آن هم نه تنها در بعد ملی، بلکه در بعد بین‌المللی، او بارها ثابت کرده است سیاست خارجی غیر قابل پیش‌بینی را بیشتر از همه می‌پسندد. با این حال ملاحظاتی را نیز در این باره باید لحاظ کرد. در روابط بین‌الملل اگر شریک قابل اطمینانی نباشید، هیچ‌کدام از متحدان تان در کنار شما باقی نخواهند ماند. اگر ترامپ می‌خواهد آمریکا قدرت غالب در عصره بین‌الملل باقی‌مانده و منافع آمریکا در تمام دنیا محفوظ بماند، باید به اعتبار آمریکا اضافه کند، باید سیاست خارجی را به‌گونه‌ای تنظیم کند که آمریکا قابل پیش‌بینی‌ترین کشور جهان باشد. غیرقابل پیش‌بینی بودن، هیچ‌وقت به معنای رسیدن به اهداف نبوده است.

### نشریه نیورپابلیک



استراتژی دیوانه معرفی کردن ترامپ شبیه به تئوری مرد دیوانه ریچارد نیکسون است اما باید گفت احمقانه‌تر از آن است! کارمندان کاخ سفید و شخص ترامپ سعی دارند در افکار عمومی اینگونه وانمود کنند که ترمپ دیوانه است. او از این طریق می‌خواهد راهی برای مذاکره با کره‌شمالی و دیگر کشورهای مورد نظرش پیدا کند. توثیتهای او دقیقاً در همین راستا پیش می‌روند اما این روند تنها اشاره‌ای بی‌ارزش و بی‌کلاس به تئوری مرد دیوانه نیکسون است! نیکسون اینطور وانمود می‌کرد که می‌تواند از بمب اتم علیه دشمنان آمریکا استفاده کند و از این بابت هیچ شرمندگی‌ای احساس نمی‌کند اما ترامپ به‌شخصه می‌داند برخلاف آنچه می‌گوید انگشتش روی دکمه قرمز رنگ استفاده از سلاح‌های هسته‌ای است اما نمی‌تواند چنین کاری انجام دهد. نیکسون هم ویتنامی‌ها می‌دانستند که او از سلاح هسته‌ای در ویتنام استفاده نمی‌کند. در مقابل اما درباره تهدیدات ترامپ همه می‌دانند او حتی توانایی چنین اقداماتی را نیز ندارد!